

Analyzing the Process of “Accusation Objection” in Criminal Justice Systems and Process

Adnan Omranifar^{1*}, Mehdi Shidayian², Hassan Alipour³

1. PhD in Criminal Law and Criminology from the University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.



Article Type:

Original Research

Pages: 77-112

Received: 2023 October 08

Revised: 2023 December 07

Accepted: 2023 December 18

Abstract

Accusation, as the main stage of the criminal process, which can be considered as the beginning or, in other words, the gate of criminal justice, is influenced by criminal justice systems and processes, and as a result, this influence plays an important role in the beginning and subsequent stages of the criminal process. The current research, which was compiled with descriptive-analytical method after examining the criminal justice systems and processes, concludes: the indicators of the accusation are different according to the system and the governing process of the proceedings, so that in a general perspective, in the Roman-Germanic prosecutor system, there is no He did not have a role in the accusation stage and he has to carry it forward, while in the common law system, the prosecutor can refuse to accuse in some cases. In the control-oriented criminal justice process, any reaction against order and security is faced with accusations, while in the dignity-oriented process, accusations are based on the sufficiency of evidence system and are done with caution and according to the prevailing suspicion of committing a crime. Finally, in the combined process, in crimes with private dignity, the accusation is similar to the dignity-oriented process, and in crimes with public dignity, including crimes against sovereignty, the accusation is similar to the control-oriented process. After examining the indicators of accusation in criminal justice systems and processes, respectively, the common law system and the circuit control process have a greater proportion with the desired indicators of accusation, evaluation and conclusion.



Keywords: Accusation, Prosecutor, Criminal Justice System, Circuit Control System. Common Law System

* Corresponding Author: omrani.far@ut.ac.ir

واکاوی پروسه «ایراد اتهام» در نظام‌ها و فرایند عدالت کیفری

عدنان عمرانی فرا*، مهدی شیداییان^۱، حسن عالی پور^۳

۱. دانش آموخته دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی از دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲. دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.



چکیده

ایراد اتهام به عنوان اصلی‌ترین مرحله پروسه کیفری که آن را می‌توان آغازکننده یا به تعبیری دروازه عدالت کیفری دانست از نظام‌ها و فرایندهای عدالت کیفری تأثیرپذیر است و در نتیجه این تأثیرپذیری نقش مهمی در آغاز و مراحل بعدی پروسه کیفری دارد. پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی تدوین یافته بعد از بررسی نظام‌ها و فرایندهای عدالت کیفری نتیجه می‌گیرد؛ شاخصه‌های ایراد اتهام با توجه به نظام و فرایند حاکم دادرسی متفاوت است به طوری که در یک چشم‌انداز کلی، در نظام رومی - ژرمنی دادستان هیچ‌گونه نقشی در مرحله ایراد اتهام نداشته و باید آن را جلو ببرد در حالی که در نظام کامن‌لا دادستان در مواردی می‌تواند از ایراد اتهام خودداری نماید. در فرایند عدالت کیفری کنترل مدار، هر واکنش بر خلاف نظم و امنیت با ایراد اتهام روبرو می‌گردد در حالی که در فرایند کرامت مدار، ایراد اتهام، مبتنی بر نظام کفایت ادله و با احتیاط و با توجه به ظن غالب ارتکاب جرم صورت گرفته و در نهایت در فرایند ترکیبی، در جرایم با حیثیت خصوصی، ایراد اتهام با شاخصه‌های مشابه فرایند کرامت مدار و در جرایم با حیثیت عمومی از جمله جرایم علیه حاکمیت، شاخصه‌های ایراد اتهام همانند فرایند کنترل مدار می‌باشد. بعد از بررسی شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام‌ها و فرایندهای عدالت کیفری، به ترتیب نظام کامن‌لا و فرایند کنترل مدار دارای تناسب بیشتری با شاخصه‌های مطلوب ایراد اتهام، ارزیابی و نتیجه‌گیری می‌گردد.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۱۱۲-۷۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷



واژگان کلیدی: ایراد اتهام، دادستان، سیستم عدالت کیفری، سیستم کنترل مدار. نظام کامن‌لا



تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.

* مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری نویسنده تحت عنوان: «ایراد اتهام مبانی و چالش‌ها» می‌باشد که در مورخ

۱۴۰۲/۲/۲۳ در دانشگاه تهران با راهنمایی دکتر مهدی شیداییان دانشیار دانشگاه تهران و مشاور دکتر حسن

عالی پور استادیار دانشگاه تهران با درجه «عالی» مورد دفاع قرار گرفت.

* نویسنده مسئول: omrani.far@ut.ac.ir

درآمد

ایراد اتهام به معنای وارد نمودن برچسب مجرمانه و کلید ورودی به فرایند کیفری است و به عبارتی در بعضی از تعابیر از آن به عنوان «دروازه عدالت کیفری»^۱ یاد می‌شود (pavlich: ۲۰۱۸: ۴۶). تشبیه مرحله ایراد اتهام به دروازه عدالت کیفری حائز اهمیت بوده و انگیزه پرداختن به موضوع پژوهش را ایجاد می‌نماید بنابراین هنگامی که سخن از دروازه عدالت کیفری به میان می‌آید باید به این موضوع واکنش نشان داد که آیا دستگاه عدالت کیفری به تأثیر شاخصه‌های ایراد اتهام توجه نموده است یا نه! شاخصه‌های ایراد اتهام در یک مدل مطلوب عبارت‌اند از؛ کفایت ادله جهت ایراد اتهام، سودمند بودن ایراد اتهام، ایجاب مصلحت در ایراد اتهام، ایراد اتهام در مسیر اصلاح و بازپروری و میزان سنجی آسیب‌های وارده از جرم (شدت و اهمیت جرم) که باید در بدو ایراد اتهام مورد توجه قرار گیرد. (عمرانی فر، ۱۴۰۲: ۸۵). در اهمیت پرداختن به این موضوع این است که؛ شرط ورود به پروسه کیفری دروازه آن است و بعضاً اگر ایراد اتهام مبتنی بر ساز و کارهای علمی و نظام‌مند و بررسی دقیق شاخصه‌ها و تعدیل آن نباشد، نه تنها اهداف یک دادرسی کیفری استاندارد برآورده نخواهد شد بلکه شکست حتمی است. پیشینه پژوهش در مقوله ایراد اتهام، به طور مستقیم سابقه‌ای را نشان نمی‌دهد بنابراین در حقوق ایران کمتر به مرحله ایراد اتهام پرداخته شده و به نوعی پژوهش در این حوزه کمتر به چشم خورده و ادبیات پژوهش از این حیث دارای نوآوری است. در ابتدا امکان دارد این نگرش ایجاد شود که مرحله ایراد اتهام در همه سیستم‌های حقوقی به نحو واحد صورت می‌گیرد اما این پژوهش بر آن است تا روشن نماید که شاخصه‌های ایراد اتهام، متأثر از نظام‌ها و فرایندهای عدالت کیفری، واحد نبوده و به نحو متفاوت صورت می‌پذیرد. برای نمونه ملاحظه می‌گردد که شاخصه‌های ایراد اتهام به طو کلی در فرایند کرامت مدار بسیار ضابطه‌مند و نظام‌مند بوده و هدف از ایراد اتهام، برقراری مفهوم

1. The gate of criminal justice.

عدالت چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی است (عزیزی، ۱۴۰۱: ۱۸۲) در حالی که ایراد اتهام در فرایند کنترل مدار، بیشتر از آن که سنگ عدالت را به سینه بزند همچون ابزاری در اختیار بازیگران فرایند کیفری بوده تا اهداف حاکمیت را تأمین نمایند (زراعت، زراعت، ۱۴۰۰: ۶۲). از لحاظ بررسی تطبیقی، باید حقوق انگلستان را در توجه به این مرحله دادرسی کیفری، پیشگام دانست. توجه به مرحله ایراد اتهام به عنوان اولین قدم از پروسه کیفری در حقوق انگلستان باعث شده که بسیاری از پرونده‌های کم اهمیت و فاقد دلایل کافی وارد دستگاه عدالت کیفری نشود و این موضوع در وهله اول برای متهم و سپس برای دستگاه عدالت کیفری بسیار سودمند است چرا که از ورود پرونده‌های زائد جلوگیری می‌نماید. (Brown, ۱۹۹۸: ۷) در پژوهش حاضر نویسنده ضمن ابهام زدایی از موضوع، در پی این است تا پاسخ دهد که شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام‌ها و فرایندهای کیفری چگونه است؟ مدل مطلوب ایراد اتهام در هر یک از نظام‌ها و فرایندها کدام است؟ برای یافتن پاسخ، لازم است تا پژوهش از یک چارچوب نظری نظام‌مند پیروی نماید از این رو بعد از پرداختن به مفهوم اصلی بحث، پژوهش به دو فصل کلی تقسیم می‌گردد که در ذیل فصل تأثیر ایراد اتهام از نظام‌های حقوقی، در دو مبحث جداگانه، ابتدا شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام حقوقی رومی- ژرمنی و سپس شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام کامن‌لا بررسی می‌شود و سپس در فصل دیگر تأثیر ایراد اتهام از فرایندهای کیفری در سه مبحث جداگانه، به نحوی که ابتدا شاخصه‌های ایراد اتهام در فرایند کرامت‌مدار، سپس در مبحث دوم، شاخصه‌های ایراد اتهام در فرایند کنترل مدار و در نهایت در مبحث آخر شاخصه‌های ایراد اتهام در فرایند ترکیبی تجزیه و تحلیل خواهد شد.

۱- مفهوم ایراد اتهام

از لحاظ لغوی، اجزای تعریف متشکل از «ایراد» و «اتهام» است. ایراد به معنای وارد ساختن، فرود آوردن، حاضر آوردن، بیان کردن، چیزی برکسی وارد کردن، به معنی

بهبانه و خرده‌گیری است ۱ - (مصدر) وارد کردن فرود آوردن ۲ - در آوردن داخل کردن. ۳ - خرده گرفتن بهانه گرفتن اعتراض کردن. ۴ - (اسم) خرده‌گیری بهانه‌گیری. جمع: ایرادات. یا ایراد بنی اسرائیلی. ایراد بیجا اعتراض بیهوده. (معین، ۱۳۸۷: ۱۲۱) معنی می‌شود.

اتهام که مترادف با واژگانی همچون: افترا، بهتان، تهمت، فربه از لحاظ لغوی به معنای اتهام. [ا] [ع مص] بتهامه در آمدن یا فروکش شدن در آن. (منتهی الارب). || ناگوار شدن. || ناموافق شمردن هوای شهری: اتهام البلد؛ ناگوار شمرده آنرا. (منتهی الارب). || رفتن بشتاب و بازایستادن. || بگرمای سخت رفتن. اتهام. [ا ت ت] [ع مص] تهمت نهادن بر کسی. ازنان. افتراء. کسی را بچیزی تهمت کردن. (تاج المصادر). || تهمت پذیرفتن. بدنام شدن. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۱۱) می‌باشد.

از لحاظ اصطلاحی «ایراد اتهام»^۱ معادل انگلیسی "Accusation" از جمله اصطلاحات نوظهور در ادبیات حقوق کیفری است که در سیستم کیفری اکثر کشورها به عنوان مرحله ای مهم از پروسه کیفری، کمتر بدان پرداخته شده است. جرج پاولیچ^۲ به عنوان اولین پژوهشگر در این حوزه در تعریف ایراد اتهام یا اتهام زدن در کتاب معروف خود تحت عنوان «اتهام کیفری»^۳ اذعان می‌دارد: «ایراد اتهام حالتی است که فرد با نوعی عنوان کیفری داخل در پروسه کیفری شده و تعقیب با آن آغاز می‌شود» (Pavlich, ۲۰۱۸: ۴۶). در این مفهوم نوظهور از ایراد اتهام به عنوان دروازه عدالت کیفری نام برده شده است (Ibid: ۴۷). در واقع ایراد اتهام حالتی است که در آن پلیس و یا دادستان با توجه به اختیاراتی که قانون به آنها واگذار نموده است با بررسی نوع جرم و ادله موجود تصمیم می‌گیرند که برچسب اتهام را به متهم وارد کنند یا خیر. از این رو به طور اختصار و بر اساس نظر نویسنده مقاله پیش رو؛ ایراد اتهام وضعیتی است

1. Accusation.
2. George Pavlich.
3. Criminal charge.

که دستگاه عدالت کیفری با توجه به دلایل اتهامی و نوع جرم تصمیم می‌گیرد که، پروسه کیفری را علیه شخصی آغاز نماید یا از آن صرف نظر نماید.

۲- تأثیرپذیری شاخصه‌های ایراد اتهام از نظام‌های کلی حقوقی

در ذیل این فصل ابتدا در مبحث اول، شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام رومی-ژرمنی و سپس در مبحث دوم، شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام کامن‌لا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام رومی-ژرمنی

از آن جا که در نظام حقوقی رومی-ژرمنی این موضوع مفروض انگاشته شده که قانونگذار عاقل و حکیم است و اگر قوانینی وضع شده بر مبنای عقل و خرد صورت پذیرفته است. بنابراین چون موضوع حول محور قانون و عقل می‌گردد دادستان به عنوان نماینده جامعه در تعقیب جرائم است و نمی‌تواند از تعقیب جرم یا پرونده صرف نظر کند^۱ مگر اینکه قانون اجازه عدم تعقیب را صادر کرده باشد بنابراین تمام تصمیمات دادستان باید از مجرای قانون بگذرد و از این رو تمام تصمیمات کنترل و ارزیابی می‌گردد. (Safferling, ۲۰۰۱: ۷۴) باید به این موضوع اشاره کرد که در نظام حقوقی رومی-ژرمنی شیوه دادرسی و مدل تحقیق و تعقیب جرائم از شیوه تفتیشی^۲

۱. به طور کلی مبنای نظام حقوقی رومی ژرمنی قواعد حقوق روم و تعلیمهای اخلاقی مذهب مسیح و افکار آزادی خواهانه حکیمان قرن هجدهم تشکیل می دهد. با این که در دو سده اخیر اجتماعی شدن حقوق در غالب این کشور ها مورد توجه واقع شده است هنوز هم انسان و آزادی ها و شخصیت او هدف و مبنای قواعد حقوق است. در نظام حقوقی رومی ژرمنی بر خلاف نظام حقوقی کامن لا قانون مهمترین منبع حقوق است و اصول کلی را باید در متون قوانین جستجو کرد و قوای مملکت به سه شعبه ممتاز و مستقل تقسیم می شود: قوه مقننه مأمور وضع قوانین و قوه قضائیه و مجریه عهده دار اجرای آن است. برای جلوگیری از تجاوز به قانون و بازرسی آرای محاکم، دیوان عالی در راس قوه قضائیه قرار گرفته است و هماهنگ ساختن آرای قضائی و رعایت قانون را تضمین می کند. معمولاً در کشورهایی که نظام حقوقی رومی ژرمنی بر آن حاکم است، نظام سیاسی مبتنی بر تفکیک قوا نیز بر آن کشور حاکم است.

۲. می‌توان وجود مقام قضایی خاص تعقیب و انتخاب شدن قضات را از میان افراد تحصیل کرده که موجب تخصصی

پیروی می‌نماید بنابراین دولت‌ها با حضور و دخالت مضاعف خود در کشف حقیقت و اجرای عدالت احساس مسئولیت می‌کنند و از طرف دیگر هم دادستان و چند قاضی بی طرف درگیر کشف حقیقت هستند. (Brants & Jorg, ۱۹۹۸: ۱۷). در نظام حقوقی رومی-ژرمنی اگرچه یک دادستان وظیفه تعقیب جرائم را برعهده دارد و نماینده جامعه محسوب می‌گردد. وظیفه دارد به عنوان مقام بیطرف، له و علیه متهم به جمع آوری دلایل بپردازد. بنابراین اولین موضوعی که باید به آن اشاره شود این است که در این نظام ارتکاب جرم مساوی ایراد اتهام بی چون و چرا است (بنابراین نهادهای همچون معامله اتهام مخصوص این نظام نیست) چراکه کشف حقیقت و اعمال مجازات در نظام مذکور از اهمیت بالایی برخوردار است. (Ambos, ۲۰۰۳: ۶) ایراد اتهام و تعقیب در فرانسه می‌تواند نمونه بارزی از نقش دادستان بر اساس نظام حقوق نوشته باشد. در نظام حقوقی فرانسه سه عامل پلیس، دادستان و دادگاه بخش در فرآیند ایراد اتهام نقش بارزی ایفا می‌کنند. دادگاه‌های بخش به عنوان مدیر تحقیقاتی عمل می‌کنند و بر اقدامات پلیس قضایی و دادستان نظارت دارند اما نمی‌توانند ایراد اتهام، تعقیب و تحقیقات مقدماتی را انجام دهند مگر اینکه دادستان یا بزه‌دیده از جرم از آنها درخواست کنند. باید خاطر نشان کرد که تصمیم به آغاز تعقیب یا توقف آن در جنایات کم اهمیت و اکثر جرائم با درجه جنحه تصمیم به ایراد اتهام علیه متهم، مدیریت و نظارت بر وظایف و عملکرد پلیس قضایی از اختیارات دادستان است. در جنایات مهم دادستان باید پرونده را برای رسیدگی به دادگاه ارجاع دهد در صورتی که دادگاه تکمیل تحقیقات را بخواهد دادستان مکلف به

شدن کارایشان می‌شود از محاسن این سیستم دادرسی دانست. ضمن اینکه این سیستم در حفظ و نظام موجود و دفاع از اجتماع بسیار مفیدتر از سیستم اتهامی است و با اتخاذ آن احتمال فرار مجرم از مجازات ضعیف می‌گردد. اما عیوب و اشکالات بسیاری بر آن وارد است؛ همانطور که گفته شد مهمترین اشکال این سیستم نادیده گرفتن اصل برائت است. از دیگر عیوب این سیستم اینکه نفع متهم در این نظام نادیده گرفته می‌شود و در حقیقت فرد فدای جامعه می‌شود. به علاوه سری بودن و غیرترافی بودن از نکات ضعف این سیستم بشمار می‌آید. بویژه با توجه به وجود و حاکمیت دلایل قانونی و اختیار وسیع قضات در اخذ اقرار از متهم، نتیجه حاصله که شکنجه‌های سخت باعث وارد شدن انتفادات زیادی بر این سیستم می‌شود. (شیداییان و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۰)

انجام درخواست دادگاه است (Defranica, ۲۰۰۱: ۶۱۵).

در کشور فرانسه تحقیقات مقدماتی همانند کشور ایران توسط مقام قضایی مستقل و بی طرف یعنی بازپرس صورت می پذیرد و چنانچه بازپرس قصد بازداشت متهم را داشته باشد باید دلایل و مدارک و قرائن توجیهی در جهت بازداشت موقت را به یک قاضی بی طرف ارائه کند و آن قاضی با شنیدن اظهارات دادستان، متهم و وکیل مدافع، در یک رسیدگی ترافیعی در خصوص بازداشت موقت متهم تصمیم گیری می کند. در حقوق فرانسه مواردی از تشخیصی بودن ایراد اتهام توسط دادستان دیده می شود، اما این تصمیم مطلق نبوده و قابل اعتراض است. به موجب ماده ۷۹ از قانون آیین دادرسی کیفری کشور فرانسه چنانچه دادستان رفتار ارتكابی را جرم بداند و منع قانونی برای تعقیب دعوی عمومی وجود نداشته باشد می تواند یکی از تصمیمات ذیل را اتخاذ کرد. الف: تعقیب را آغاز کند، ب: در راستای اجرای مواد ۱-۴۱، ۲-۴۲ از جایگزین تعقیب ترمیم یا تنبیهی دعوی عمومی استفاده کند در صورتی که اوضاع و احوال خاصی از ارتكاب جرم را توجیه کند می تواند از ایراد اتهام خودداری و پرونده را بایگانی و مراتب را به شاکی و گزارش دهنده جرم ابلاغ کند این تصمیم از طرف شاکی وفق ماده ۱-۴۰ از قانون آیین دادرسی کیفری قابل اعتراض در دادگاه بخش می باشد.

در کشور آلمان چرخش دستگاه عدالت کیفری به سمت نظام ایراد اتهام موقعیت مدار بسیار با ظرافت و احتیاط صورت می گیرد. در واقع در کشور آلمان، دادستان اختیار خود را در زمینه عدم ایراد اتهام فقط در جرائم کم اهمیت و یا مواردی که قانون، صراحتاً این اجازه را به او داده باشد می تواند اعمال کند. (Safferling, ۲۰۰۱: ۷۳) به موجب ماده «۱۵۳ از قانون آیین دادرسی کیفری» کشور آلمان، دادستان در صورتی قادر است از ایراد اتهام خودداری نماید که جرم ارتكابی سبک باشد و یا منافع عمومی آغاز تعقیب را اقتضا نکند. به استثنای بیشتر پرونده های کم اهمیت در سایر پرونده ها تصمیم دادستان مبنی بر توقف تعقیب و تحت نظارت یک قاضی بی طرف قرار می گیرد. در پرونده های مربوط به

جنحه^۱، دادستان می‌تواند با رضایت مرتکب و دادگاه صالح از ایراد اتهام در جرائم عمومی صرف نظر کند و شرایط و دستورهایی را از جمله؛ خدمتی خاص به منظور جبران خسارت ناشی از ارتکاب جرم، یا پرداخت مبلغی به خزانه دولت و یا موسسه غیرانتفاعی برای متهم تعیین کند. در واقع به نظر می‌رسد در این جا یک نوع معامله اتهام صورت پذیرفته است به نوعی که دادستان به جای ایراد اتهام در پرونده‌های کم اهمیت با رضایت مرتکب که خود نوعی اقرار ضمنی بر ارتکاب جرم کم اهمیت از ناحیه اوست مرتکب را به خدماتی که به نفع جامعه باشد محکوم می‌نماید. به نظر می‌رسد این عقیده از آنجا نشأت می‌گیرد که هرکسی که با رفتار خود ضرری به جامعه وارد نموده حال موظف است در راستای جبران ضررهای وارده جامعه را از رفتارهای سودمند و جبران کننده خویش بهره‌مند سازد. در ادامه این مطلب باید به این موضوع خاطرنشان کرد که برخلاف حقوق کشورهای همچون انگلستان و همچنین نظام حقوقی آمریکا، قوانین کشور آلمان به نحوی نیست که صراحتاً دادستان بتواند از ابتدا، از ایراد اتهام صرف نظر کند.

نظام دادرسی کشور ایران از نظام دادرسی مختلط پیروی می‌کند. با این توضیح که نظام دادرسی ایران در مرحله دادسرا از نظام تفتیشی و در مرحله رسیدگی از نظام اتهامی پیروی می‌نماید بنابراین اختیار دادستان در تعقیب جرم برگرفته از نظام حقوقی نوشته و تابع اصل قانونی بودن تعقیب است. به عبارتی دادستان در حقوق کشور ایران بعد از اطلاع از وقوع جرم نمی‌تواند از ایراد اتهام صرف نظر کند و همانطور که در مطالب قبل مطرح شد بعد از وقوع جرم، دادستان مکلف به ایراد اتهام و تعقیب متهم هست و صرفاً می‌تواند با استناد به قانون از ایراد اتهام صرف نظر کند و یا تعقیب متهم را با طرق قانونی متوقف سازد. البته باید به این موضوع خاطرنشان کرد که در حقوق ایران اصلاً به

۱. در قانون مجازات سابق، مجازات‌ها را بر اساس شدت و ضعف جرم به جنایت، جنحه و خلاف تقسیم بندی می‌کردند و در نتیجه چنانچه مدت حبس، حداکثر ۳ سال در نظر گرفته می‌شد، به آن حبس جنحه ای گفته می‌شد. جنحه در لغت به معنای گناه می‌باشد. همچنین جنایت به جرمی گفته می‌شود که به اندازه ای سنگین باشد که مجازات آن بیش از ۳ سال باشد...

مرحله ایراد اتهام توجهی نشده است و اساساً چنین مرحله‌ای در نظام دادرسی ایران وجود ندارد. در واقع در حقوق ایران آغاز تعقیب متقارن با ایراد اتهام و تعقیب کیفری شناخته شده است. بنابراین در نظام دادرسی کیفری ایران به جز چند نهاد محدود همچون تعلیق تعقیب^۱ (موضوع ماده ۸۱ ازآیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) و یا بایگانی کردن پرونده (موضوع ماده ۸۰ ازآیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) نهادهای دیگری به چشم نمی‌خورد که بتوان آن را مشابه با نهاد ایراد اتهام (البته با مسامحه) دانست. پیش از این قانون، به موجب ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، تعلیق تعقیب در جرایم جنحه‌ای پذیرفته شده بود. از سوی دیگر، بهره نظام عدالت کیفری ایران از جلوه‌های «اصل اقتضای تعقیب» صرفاً تعلیق تعقیب بود. همچنین ماده ۲۶ آیین نامه دادرسی و دادگاه ویژه روحانیت اعمال تعلیق تغییر را به جرایم خفیف امور خلاف شهر محدود نموده که این ماده کماکان به قوت خود پابرجاست. در واقع قرار تعلیق تعقیب یا بایگانی کردن پرونده مرحله ایراد اتهام را شامل نمی‌شود چرا که دادستان با آغاز تعقیب کیفری و در مرحله بعد از ایراد اتهام، متهم را از این نهادها بهره‌مند می‌سازد. کما اینکه در مورد اخیر، یعنی بایگانی کردن پرونده که در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت امکان پذیر است اساساً دادستان به عنوان یک مقام تشخیصی عمل می‌کند یعنی اینکه بعد از تشخیص عنوان مجرمانه و تطبیق آن با تعزیر درجه ۷ (سی و یک روز تا شش ماه) و تعزیر درجه ۸ (حبس تا سه ماه) پرونده را وفق ماده ۳۴۰ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به دادگاه می‌فرستد و اینجا دادگاه است که در خصوص

۱. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی: در حقوق ایران تا سال ۱۳۵۲ آشنایی با قاعده موقعیت داشتن تعقیب از سطح دکترین و تدریس در دانشکده‌های حقوق تجاوز نمی‌کرد ولی در این سال با الحاق ماده ۴۰ مکرر به قانون آیین دادرسی کیفری، «تعلیق تعقیب»، به عنوان یکی از اقدامات قضایی دادرسی و اجرایی نمودن قاعده فوق و با تقلید از حقوق فرانسه وارد سیاست جنایی تقنینی ایران شد.

۲. جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود. در این مورد و سایر مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، دادگاه پس از انجام تحقیقات به ترتیب زیر اقدام می‌کند:
الف- چنانچه دادگاه خود را صالح به رسیدگی نداند، قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند و اگر مورد را از موارد منع یا

بایگانی کردن پرونده تصمیم خواهد گرفت که این خود محل ایراد است. همان طور که در موارد پیشین اشاره شد؛ ایراد اتهام در حقوق بعضی کشورها همانند انگلستان می تواند توسط مقام پلیس و دادستان صورت پذیرد و در واقع ایراد اتهام در این نظام ها در اختیار این دو مرجع در جهت بررسی و ایراد اتهام یا صرف نظر از آن است. با توجه به این که در نظام نفتیشی با توجه به قوت داشتن اصل قانونی بودن مقامات پیش گفته نمی تواند از ایراد اتهام صرف نظر کنند و باید پرونده را به جریان انداخته و تنها به حکم قانون، دادسرا می تواند از تعقیب متهم خودداری یا پرونده را بایگانی نماید. از این رو نیازمند افزایش اختیارات دادستان است و به نوعی دادسرا از ماهیت اداری خارج شده و جنبه قضائی به خود میگیرد. قضاوتی شدن دادسرا به این معناست که وظایف قضات نشسته و صلاحیت محاکم کیفری به دادسرا نیز اعطا میشود. با تقویت صلاحیت مقامات دادسرا، آنها اختیار حل و فصل جرایم کم اهمیت را پیدا میکنند (نجفی ابرندآبادی و رستمی، ۱۳۹۱: ۵۶) در پرتو این امر، نقش دادسرا افزایش یافته و از نظر کیفی تغییر کرده است. دادسرا در انتخاب شیوه های رسیدگی خود، بیشتر به عنوان مرجع قضایی، تا ایفاگر نقش سنتی خود در پیگرد شناخته می شود (بوریکان و سیمون، ۱۳۸۹: ۴۰). در سیاست جنایی ایران مصالحه کیفری در مرحله دادسرا تا به حال مورد پذیرش قرار نگرفته و آنچه در مورد تعقیب متهمین از نظر نحوه پاسخ دهی حاکم می باشد، دارای رویکردی یکجانبه نگر و تحمیلی است. به طور کلی، دادستان به صورت یک طرفه در مورد پیگرد مجرمین تصمیم میگیرد و اراده متهم در آن هیچ نقشی ندارد و نشانه های از عدالت سازشی یا تصالحي در این مرحله نمی توان مشاهده نمود. واکنش مقام تعقیب بر اساس

موقوفی تعقیب بداند، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می کند.

ب - در غیر موارد مذکور در بند (الف)، چنانچه اصحاب دعوی حاضر باشند و درخواست مهلت نکنند، دادگاه با تشکیل جلسه رسمی، مبادرت به رسیدگی می کند. در صورتی که اصحاب دعوی حاضر نباشند یا برای تدارک دفاع یا تقدیم دادخواست ضررو زیان، درخواست مهلت کنند، دادگاه با اخذ تامین متناسب از متهم، وقت رسیدگی را تعیین و مراتب را به اصحاب دعوی و سایر اشخاصی که باید در دادگاه حاضر شوند، ابلاغ می کند.

رویکرد اجباری تعقیب کیفری صورت می‌گیرد که تمامی مرتکبین جرایم بایستی بدون توجه به شخصیت مورد ایراد اتهام قرار گیرند.

سیستم قضایی بیشتر کشورهای دارای نظام حقوقی رومی- ژرمنی همانند، دانمارک، اتریش، بلاروس، آرژانتین، برزیل و از جمله ایران و... حاکی از عدم اختیارات دادستان در ابتکار عمل در مرحله ایراد اتهام است چرا این که قانون نوشته دست دادستان را همانند نظام کامن‌لا بازنگذاشته و اصل الزامی بودن و قانونی بودن تعقیب اجازه صرف نظر نمودن از ایراد اتهام را نداده و وی را ملزم به ایراد اتهام علیه متهم می‌نماید. (علیپور و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۶۵) نویسنده معتقد است رویه قضایی کشور ایران به خوبی نشان‌گر این است که دادستان در ایراد اتهام صرفاً مجرای برای عبور پرونده به مرحله تحقیق است و هیچگونه واکنشی از سمت دادستان در جهت گزینش پرونده و ارسال به مرحله بعد وجود ندارد به نحوی که می‌توان در ابتدای ایراد اتهام همانند اختیارات دادستان در نظام کامن‌لایی جلوی ورود بسیاری از پرونده‌های بی مورد را گرفت. بنابراین در مقام جمع‌بندی مطالب فوق باید اذعان نمود شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام رومی- ژرمنی شامل، حتمی بودن ایراد اتهام، انفعال دادستان در مرحله ایراد اتهام، عدم حاکمیت نظام کفایت ادله می‌باشد. از جهت میزان مطلوبیت شاخصه‌های ایراد اتهام در این نظام، باید اذعان نمود؛ بین شاخصه‌های مطلوب ایراد اتهام و شاخصه‌های استخراجی در نظام رومی- ژرمنی، میزان تناسب بسیار ضعیف و با شاخصه‌های مطلوب، سنخیت ندارد.

۲-۲- شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام کامن‌لا

نظام کامن‌لا برخلاف نظام حقوقی رومی- ژرمنی که معمولاً همه تصمیمات قضایی حول محور قانون می‌چرخد در نظام کامن‌لا به جای استناد به مواد قانونی بیشتر به اصول کلی حقوقی و مقایسه دعوای مطرح شده با دعوای رسیدگی شده و آراء قبلی

دادگاه ها در مورد آن قضیه پرداخته می شود و در صورت شباهت بین عناصر دو پرونده حکم مشابه صادر خواهد شد در واقع کامن لادومین خانواده حقوقی است که شامل حقوق کشور انگلستان و دیگر کشورهایی است که از حقوق انگلستان سرمشق گرفته است و به نوعی کامن لارا می توان زابیده از دل حقوق کشور انگلستان دانست. (داوید، ۱۳۹۰: ۲۲).

از رهگذر تعدیل آغاز پروسه کیفری و اعمال بدیل های آن، آغاز پروسه کیفری سنتی که تابع نظام تفتیشی است، از آن فاصله گرفته و به نظام اتهامی نزدیک ترمی شود. از جمله نشانه های اتهامی شدن رسیدگی، ترفعی شدن آغاز پروسه کیفری میباشد: چون اولاً بر اساس رویکرد اقتضای تعقیب، مقام تعقیب همانند نظام تفتیشی مکلف نیست همه جرایم را آغاز نماید. ثانیاً اراده متهم نیز در فرایند کیفری دخالت داده میشود و در تصمیم گیری دادستان در مورد نحوه آغاز پروسه کیفری تأثیرگذار است همچنین برای حل و فصل موضوعات کیفری از نهادهای جامعوی و مردمی گرفته می شود و مثل نظام تفتیشی، دیگر مقامات دولتی و رسمی، تنها مرجع رسیدگی محسوب نمی شوند، بلکه در کنار آن از ظرفیت نهادهای مردمی نیز کمک گرفته می شود که خود نشانگر فاصله گیری از نظام دادرسی تفتیشی است. (عمرانی فرو و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۴)

در نظام حقوقی رومی-ژرمنی مدل دادرسی، از شیوه تفتیشی پیروی می کند. در حالیکه در نظام کامن لادومل تعقیب و تحقیق جرائم بر پایه دادرسی اتهامی است. از ایرادات این نظام برخلاف نظام تفتیشی که در آن دادستان بسیار فعال و پویا می باشد و وظیفه جمع آوری ادله، له و علیه متهم دارد، این است که دعوا، بحث و رقابتی است بین شاکی و متهم به منظور حل اختلاف در برابری قاضی منفعل و بی طرف و هیئت منصفه ای که حقیقت وقایع را جستجو می کند. در واقع باید افزود که در نظام حقوقی کامن لادومل قاضی از تحصیل دلیل^۱ و کوشش در راه رسیدن به حقیقت و اجرای عدالت منع شده است و بسیاری از جرائم به دلایل مختلفی از سوی شاکی مورد شکایت قرار

1. Study the reason.

نمی‌گیرد و این خود یکی از چالش‌های مهم بر سر راه نظام مذکور بود. از این رو برای مرتفع کردن این اشکال و حفظ نظم عمومی از اواخر سده گذشته در کشورهایی که نظام اتهامی بر آن حاکم است به تقلید از فرانسه مقام دولتی برای آغاز پروسه کیفری به وجود آمد که این مقام در انگلستان مدیر تعقیب^۱ و در کانادا دادستان سلطنتی^۲ نامیده می‌شود. (Safferling, ۲۰۰۱: ۵۶) به عقیده نویسنده مقاله حاضر تفاوت مقام تعقیب و مدیر تعقیب در این است که در نظام حقوقی که در آن شیوه تفتیشی حاکم است دادستان مقام ایراد اتهام و آغاز تعقیب کیفری است بنابراین دادستان را مقام تعقیب می‌دانند نه مدیر تعقیب، در حالی که در نظام اتهامی دادستان می‌تواند به صلاحدید خود از آغاز پروسه کیفری خودداری و یا آن را به جریان بیندازد. به نوعی، ایراد اتهام در این نظام در اختیار دادستان است که می‌تواند با وضعیت حاکم بر جرم، مثل شدت و حدت میزان مجازات و همچنین مصلحت عمومی و سایر مبانی دیگر از ایراد اتهام خودداری نمایند. از این رو این مدیریت در اختیار دادستان قرار گرفته و مدیر تعقیب نامیده می‌شود. دادستان در نظام اتهامی وظیفه تعقیب و تحقیق جرائم را بر عهده دارد. در واقع در نظام اتهامی دادستان رکنی از قوه مجریه یا دولت محسوب می‌گردد که تعقیب و تحقیق را شخصا انجام می‌دهد. در حالی که در کشورهایی که نظام تفتیشی در آن‌ها حاکم است مانند نظام حقوقی کشور ایران در مرحله دادسرا، که تعقیب و تحقیق از هم تفکیک شده و مقامی خاص (دادستان و بازپرس) عهده‌دار هر یک از مراحل است.^۳

1. Chase Manager.

2. Royal Prosecutor

۳. دادستان به عنوان نماینده مدعی العموم وظیفه دارد تا در صورت اطلاع از وقوع جرم، برای حفظ حقوق فردی و حقوق عامه مردم به عنوان مدعی به تعقیب متهمان بپردازد اما پس از شروع تعقیب متهم و بازداشت یا احضار متهم، وظیفه تحقیق در خصوص وقوع یا عدم وقوع جرم با بازپرس به عنوان مقام تحقیق است. در واقع بازپرس به عنوان یک مقام بیطرف بین ادله جرمی که از سوی دادستان اعالم شده و دفاعیاتی که متهم برای رهنیدن خود ابراز میکند به تحقیق پرداخته و سپس در خصوص مجرم بودن یا نبودن متهم اظهار نظر میکند. بر اساس ماده ۹۲ قانون آئین دادرسی کیفری جدید، «تحقیقات مقدماتی تمام جرائم به عهده بازپرس است.» البته در ادامه قانون با توجه به بضاعت نظام قضایی، به مقام دادستان اجازه داده است تا در صورت نبودن بازپرس همان وظایف بازپرس را در

حدود چهار دهه پیش زمانی که دیوان عالی ایالات متحده معامله اتهام را به رسمیت شناخت، در توجیه تصمیم خود، اینگونه اظهار داشته بود که اگر قرار باشد هر اتهام کیفری موضوع محاکمه کاملی قرار گیرد ایالات و دولت فدرال باید تعداد قضاات و امکانات را چندین برابر کنند. (Ma, ۲۰۰۲: ۲۲) این استدلال دیوان عالی ایالات متحده بسیار ظریف و هوشمندانه است چراکه اگر قرار باشد هر اتهام کیفری توسط دادستان مورد تعقیب قرار بگیرد و تبدیل به یک پرونده کیفری شده و به دادگاه فرستاده شود با توجه به حجم زیاد پرونده‌ها و تعداد کم قضاات این موضوع از توان دادگاه خارج است و باعث می‌شود که دستگاه عدالت کیفری به جای رسیدگی عادلانه، صرفاً درصدد مختومه کردن پرونده‌ها و کسر آمار باشد و این یکی از عیوب بزرگ سیستم دادرسی مبتنی بر لزوم تعقیب کیفری است. در واقع نظام ایراد اتهام که در اختیار دادستان است در اینجا می‌تواند به دادستان در نظام حقوقی کامن‌لاکه مبتنی بر نظام اتهامی می‌باشد کمک نماید. با این توضیح که دادستان در مرحله ایراد اتهام با ارزیابی اهمیت و ادله‌ی موجود در پرونده آینده پرونده را در ذهن خود تصور می‌کند و در صورتی که تشخیص داد که در انتهای پرونده امکان دارد به دلیل فقدان دلایل کافی یا عدم اهمیت موضوع برائت حاصل شود یا ایراد اتهام برای جامعه سودمند نباشد، خود اقدام به تصمیم مقتضی نماید و از ورود پرونده‌های غیر مهم خودداری نماید چراکه اگر قرار باشد هر پرونده کیفری توسط دادستان، وارد دستگاه عدالت کیفری شود و به قضاات دادسرا و سپس دادگاه ارجاع شود

بخشی از جرایم به عهده داشته باشد. البته در جرایم مهمی که در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی به آنها اشاره شده، دادستان حق تحقیق نداشته و در این صورت، تحقیق الزم در جایی که بازپرس حضور ندارد، توسط دادرسی دادگاه انجام خواهد شد. اگر در جایی بازپرس حضور نداشته باشد یا به دلایل قانونی معذور از رسیدگی باشد) برای مثال وجود قرابت نسبی و سببی بین متهم و بازپرس، در غیر از جرایم مهم در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی، دادستان بجای بازپرس حق تحقیق در خصوص جرم را خواهد داشت که در این صورت میتواند تحقیق را به یکی از دادیاران دادسرا ارجاع دهد اما دادیار از آنجایی که استقلال در تصمیم ندارد باید تحت دستورات دادستان انجام وظیفه کند و در صورتی که دادیار بخواهد قرار بازداشت متهم را صادر کند حتماً باید موافقت دادستان را در این خصوص جلب کند. شاید یکی از مهمترین دلایل تفکیک بین مقام تعقیب و مقام تحقیق، همان حفظ حقوق متهمان باشد تا در فضایی منطقی راجع به جرم تحقیق و نسبت به آن اظهار نظر شود. (شیداییان، مهدی و اسحاقی، سیدجعفر، ۱۳۹۹: ۱۰۵)

علاوه بر بالابردن هزینه و وقت، موجب کاهش دقت در رسیدگی می‌گردد.^۱ برای نمونه در کشور آمریکا که از شیوه‌ی نظام دادرسی اتهامی پیروی می‌شود دادگاه‌ها مأمور به کشف حقیقت و اجرای عدالت نیستند و قضات در مقایسه با نظام حقوقی نوشته‌نقشی منفعل دارد. مسئولیت اصلی تعیین ماهیت اختلاف و ارائه حقایق وظیفه طرفین دعوا و وکلای آنهاست به ویژه این که پرونده‌های جنایی به عنوان اختلافات بین دولت و اشخاص متهم تلقی می‌شوند. در یک پرونده‌ی جنایی دادستان به عنوان نماینده دولت می‌تواند تصمیم بگیرد که آیا منافع موکلش «دولت» با عدم اتهام زنی بهتر حفظ می‌شود و یا اینکه از طریق راه حل کوتاه توافق با متهم، با لحاظ فرایند طولانی پروسه کیفری و پیش‌بینی نتیجه‌ی محاکمه قابل دستیابی است. از این رو این موضوع توافق گسترده دادستان‌ها در نظام کامن‌لا را توجیه می‌کند. (Jorg. et al. ۱۹۹۵: ۴۱)

در رویه قضایی انگلستان که از نظام کامن‌لا پیروی می‌کند، سرویس دادستان سلطنتی (CPS) از سال ۲۰۰۲ میلادی به بعد با تعامل پلیس و دادستان و بعد از تکمیل تحقیقات پلیس و تحویل پرونده، (CPS) مسئول بیشتر تصمیمات در مورد ایراد اتهام است با این توضیح که (CPS) بعد از تحویل پرونده با بررسی میزان ارزش و قوت ادله و این که آیا ایراد اتهام به نفع علمه است یا خیر تصمیم به ایراد اتهام می‌گیرد. به طوری که طبق آمار در سال ۲۰۰۲ میلادی ۱۳ درصد از پرونده‌ها در مرحله ایراد اتهام توسط دادستان فاقد دلایل توجیه برای ایراد اتهام دانسته و متوقف شده است. (جمانی، ۱۳۹۶: ۲۲۸). به عبارتی باید اینگونه این موضوع را تفسیر کرد که در واقع دادستان با ورود در امر تحقیقات کیفری توأم با امر تعقیب، به نحوی مدیریت تعقیب کیفری را بر عهده گرفته و در نهایت بعد از جمع‌بندی نتیجه می‌گیرد که باید ایراد اتهام صورت گرفته یا از آن صرف نظر نماید. تحقیقات صورت گرفته به نوعی تمایل نظام‌های حقوقی را به سمت حذف بازپرس در دو

۱. در حقیقت نویسنده می‌خواهد به قابلیت محدود سیستم عدالت کیفری در رسیدگی به پرونده‌ها اشاره کند. در حال حاضر نسبت توان رسیدگی کیفری به ورودی پرونده‌ها بسیار پایین است.

کشور آلمان و ایتالیا برای نیل به روش پیش گفته را نشان می دهد.

در کشور آمریکا دادستان از اختیارات بسیار زیادی برخوردار است در واقع در نظام حقوقی آمریکا که از شیوه اتهامی پیروی می کند دادستان می تواند از شیوهی معامله اتهام و گفتگو در خصوص اتهام بهره گیرد. وی اختیار توقف هرگونه تعقیب قانونی را در هر مرحله از رسیدگی دارد خواه تعقیب توسط وی و یا مقام دیگر شروع شده باشد. وی ملزم نیست تشخیص و تصمیم خود را مستند به دلیل کند و اجبار او به ارائه دلیل تجاوز به حدود اختیارات دادستان تلقی می شود.^۱ در واقع در حقوق آمریکا در صورتی که دادستان تشخیص دهد که ایراد اتهام متهم نتایج مطلوبی را برای جامعه ندارد و شرایط ایراد اتهام را اقتضا نمی کند می تواند ایراد اتهام را بنابر صلاح دید خود مدیریت و از اتهام زدن خودداری نماید. (Reichel, ۲۱۱: ۱۹۹۹) این در حالی است که در مقررات قانونی ایران در صورتی که دادستان از وقوع جرم مطلع شد با توجه به اصل لزوم تعقیب کیفری باید ایراد اتهام و سپس متهم را تعقیب نماید و نمی تواند با صلاح دید خود از ایراد اتهام به متهم خودداری نماید. در مقام جمع بندی مطالب فوق، اهم شاخصه های ایراد اتهام را در این نظام می توان؛ تشخیصی بودن ایراد اتهام، فعال بودن دادستان در مرحله ایراد اتهام، حاکمیت نظام کفایت ادله دانست. از جهت میزان مطلوبیت شاخصه های ایراد اتهام در این نظام، باید اذعان نمود؛ بین شاخصه های مطلوب ایراد اتهام و شاخصه های

۱. جایگاه دادستان در نظام عدالت کیفری در نظام های حقوقی عرفی و نظام های حقوقی رومی-ژرمنی متفاوت است به گونه ای که در نظام های حقوقی عرفی نقش اجرای دادستان پررنگ تر است و دادستان بخشی از قوه مجریه است و تلاش می شود استقلال عملی نهاد در این رو حفظ شود اما در نظام های رومی-ژرمنی بر حسب انتخاب کشورها ممکن است دادستان بخشی از قوه مجریه یا قضاییه باشد به عنوان مثال در نظام حقوقی فرانسه دادستان بخشی از وزارت دادگستری است و در عین حال پایه قضایی دارد در نظام حقوقی انگلستان مدیر تعقیب یا همان دادستان بخشی از وزارت کشور در آمریکا بخشی از وزارت دادگستری و در ایران بخشی از قوه قضائیه است و پایی قضایی دارد. البته باید توجه داشت که وابستگی اداری دادستان قوه مجریه یا قضاییه بر حسب نظام سیاسی، پارلمانی یا سیاسی متفاوت است بر همین اساس تکالیف دادستان در نظام های حقوقی مختلف فرق می کند و در برخی از آنها به عنوان مقام مسئول تعقیب جرم شناخته می شود و در برخی دیگر افزون بر تکلیف تعقیب جرم تکالیف دیگری به دستان تعویض می شود که ماهیت قضایی و شبه قضایی دارد. (کوشکی، ۱۳۸۷: ۱۳)

استخراجی در نظام کامن‌لا، تناسب نسبتاً خوب ارزیابی و با شاخصه‌های مطلوب در بعضی از موارد تناسب دارد.

۳- تأثیر پذیری شاخصه‌های ایراد اتهام از فرایندهای کیفری

تقسیم‌بندی فرایند کیفری به کرامت‌مدار (عدالت محور) و کنترل جرم را می‌توان در اندیشه‌های «هربرت پاکر»^۱ ملاحظه کرد و او را اولین شخصی دانست که در این زمینه اظهار نظر کرده و این تقسیم بندی را به وجود آورده است. در ذیل این فصل به ترتیب، شاخصه‌های ایراد اتهام در فرایند کرامت‌مدار، کنترل مدار و ترکیبی به تفکیک در مبحث‌های جداگانه مورد بررسی و تبیین قرار خواهد گرفت.

۳-۱- شاخصه‌های ایراد اتهام در فرایند کرامت‌مدار

الگوی کرامت مدار یا به عبارتی «الگوی دادرسی منصفانه»^۲ الگویی است که فرایند کیفری در آن تا حد امکان، حقوق متهم را در پروسه کیفری مقدم بر حقوق جامعه می‌داند. در واقع الگوی مذکور با راهبرد دادرسی عادلانه و رعایت کرامت انسانی متهم، قصد دارد عدالت را در جامعه ایجاد نماید و به چیزی غیر از عدالت محض نمی‌اندیشد. (Worrall, ۲۰۰۸: ۱۱)

عدالت کیفری مبتنی بر الگوی کرامت مدار، «اصل برابری»^۳ را به عنوان یکی از ارکان مهم و اساسی الگوی خویش می‌نامد و بر این اساس تصمیم می‌گیرد. (Garner, ۲۰۰۹: ۱۸) بر اساس این الگو، نظام عدالت کیفری، بر متهم برتری ندارد بلکه برابری قضایی بر روابط هر دو طرف حکم فرماست. این موضوع باعث می‌شود، در صورتی که دستگاه عدالت کیفری، بخواهد فردی را داخل در پروسه کیفری نمایند و دادستان

1 Hebert Packer.

2. Fair trial model.

3. The principle of equality.

ادله‌ای در اختیار دارد که وقوع بزهکاری را از ناحیه فرد تصدیق می‌نماید. متهم این فرصت را دارد تا ادله دادستان را جرح؛ یا به عبارتی دلایل قانونی رفع اتهام را در ابتدای پروسه کیفری، علیه ادله دادستان ارائه کند. (Cole, ۱۹۷۳: ۵۵) علت اصلی این اقدام، احترام به شخص متهم و حفظ کرامت او در پروسه کیفری است تا مبادا دادستان به دلیل مصالح و منافع اجتماعی یا غرض ورزی شخصی، قصد ایراد اتهام ناروا و سپس تعقیب کیفری فرد را داشته باشد.

در الگوی کرامت مدار، تضمین‌های حقوق بشری به طور کامل در فرایند کیفری مورد توجه قرار می‌گیرد. از جمله این موارد بحث کفایت ادله جهت ایراد اتهام است. در رویه قضایی کشور آمریکا در پرونده خانم «مپ»^۱ به علت شک به همدستی در بمب‌گذاری‌های وقت در آمریکا، زمانی که پلیس بدون مجوز قانونی وارد منزل خانم مپ شد و در نهایت تصاویر و کتب دارای تصاویر زشت کشف و مورد اتهام قرار گرفت. در نهایت دادگاه در رای خود اعلام نمود تمام ادله کشف شده به دلیل فقدان رعایت قانونی اساسی در بازرسی و تفتیش فاقد اعتبار و استناد و اتهام وارده شده بی اساس است (Choo, ۲۰۱۳: ۳۲۱). مفاهیم نوین دستگاه‌های عدالت کیفری مبتنی بر یافته‌های نوین جرم‌شناختی و پیشگیری از جرم، مفهوم «کارایی»^۲ است. در واقع مفهوم کارایی به این موضوع می‌پردازد که ورود افراد به دستگاه عدالت کیفری چه مزایا و مخاطراتی در پی دارد. در انتها در صورتی که منافع داخل نمودن افراد در پروسه‌های کیفری بیشتر از مخاطرات آن باشد، آغاز پروسه کیفری توجیه یا به عبارتی قانونی تلقی می‌گردد. موضوع کارایی تا جایی مدنظر قرار گرفته است که بعضی از نویسندگان آغاز پروسه کیفری بدون کارایی را «غیرقانونی»^۳ دانسته‌اند. (Hutchings, ۲۰۰۱: ۲۸) بنابراین ملاحظه می‌گردد که الگوی کرامت مدار، محکوم نمودن متهمان را در پروسه کیفری به هر طریق و هر قیمت نمی‌پذیرد. پاکر معتقد

-
1. Mapp.
 2. Performance.
 3. Illegal.

است توجه به آزادی‌های اشخاص در این الگو باعث به کارگیری ساز و کارهایی جهت تضمین حقوق افراد است که از آن جمله: می‌توان به فرض بی‌گناهی اشاره کرد. براساس این اصل، فرد بی‌گناه است مگر جرم وی ثابت گردد. (Cantemir Dimitrie, ۲۰۱۳: ۴۳) بنابراین مفهوم کارایی به معنای درصد بالای تحقیق، دستگیری بازداشت و محکوم نمودن متهمان نیست بلکه به معنای رعایت موازین قانونی و حفظ حقوق اشخاص و همچنین توجیه پذیری داخل نمودن افراد در پروسه کیفری یا همان دقت درمبانی اصیل، جهت ایراد اتهام است. متناسب با الگوی دادرسی منصفانه در مرحلهٔ آغاز تعقیب کیفری، یا به عبارتی مرحله‌ای که فرد مظنون امکان دارد وارد دستگاه عدالت کیفری از طریق ایراد اتهام گردد؛ اصل برائت که یکی از اصول اساسی دادرسی کیفری است به شدت از حقوق فرد مظنون دفاع می‌کند و صرفاً زمانی اجازه می‌دهد که وضعیت فرد، از حالت مظنون^۱ به «متهم» تبدیل گردد که ادله قوی مبتنی بر ارتکاب جرم ارائه گردد. از این جهت دستگاه عدالت کیفری مبتنی بر الگوی دادرسی منصفانه، اجازهٔ ایراد اتهام، بدون ادلهٔ محکم را نمی‌دهد (Smith & Cole, ۱۹۹۸: ۱۱۰). در خصوص جمع آوری ادله در مرحله تحقیقات مقدماتی و به عبارتی بستن پرونده اتهاماتِ شخص مظنون در غالب کیفرخواست، باید تأکید کرد که این موضوع آنقدر دارای اهمیت است که در حقوق کشور آمریکا، دادستان به طور مستقل حق تصمیم‌گیری راجع به کفایت ادلهٔ اثباتی را ندارد. به عبارتی بسته به نوع ایالت، یک نهاد قضایی ناظر شامل قاضی دادگاه بخش و هیئت منصفه عالی، در مرحله تأیید کیفرخواست وجود دارد که وظیفه اصلی آن‌ها بدون آن که نقشی در انجام تحقیقات مقدماتی داشته باشند، تصمیم‌گیری برای ارسال پرونده به دادگاه است مگر در خلاف یا یا جنبه‌ای که خود متهم راضی به تشکیل نشدن جلسه مقدماتی باشد؛ یا مواردی که هیئت منصفه عالی، پیش‌تر به درخواست دادستان، صدور کیفرخواست را تأیید کند که در این موارد نیازی به تشکیل جلسه مقدماتی وجود ندارد.

1. Suspected.

سیستم‌های عدالت کیفری مجازات‌گرا بر این باور هستند که هر فردی که داخل در دستگاه عدالت کیفری می‌شود، باید دست خالی از آن خارج نگردد و نوعی واکنش کیفری برای او در نظر گرفته شود. این موضوع مبتنی بر اصل قابلیت محکومیت و تشخیص آن است که یکی از مبانی مهم ایراد اتهام جهت ورود به این مرحله می‌باشد. برخی از بازداشت‌های غیر قانونی (قبل از محاکمه) می‌تواند مبتنی بر این نگرش باشد. در دستگاه عدالت کیفری کرامت‌مدار عقیده بر این است که کنشگران عدالت کیفری باید در داخل نمودن افراد در پروسه کیفری جوابگوی کنش کیفری خویش باشند و زمانی اقدام به ایراد اتهام کنند که شرایط و اوضاع و احوال تا حدودی بزهکاری فرد را تصدیق نماید. در هر حال باید دقت نمود که ورود افراد به پروسه کیفری دلیل بر مجرمیت آنان نیست و برای کارگزاران متخلف باید ضمانت اجرایی در نظر گرفته شود تا در تصمیمات خود دقت کافی داشته باشند تا مبادا افراد جامعه را طبق مبانی غیر قانونی، از طریق اتهام زدن وارد پروسه کیفری نمایند (Cole & Gertz, ۱۹۹۷: ۱۶). در تشکیلات دادرسی کیفری؛ به خصوص در مرحله دادسرا، آغاز پروسه کیفری، به معنای اماره مجرمیت محسوب می‌گردد. در تأیید این گفتار می‌توان استناد مقامات قضایی دادسرا را در نظر گرفت که در قرارهای صادره و در قسمت ادله اثباتی، شکایت شاکی و متعاقب آن آغاز تعقیب کیفری را به عنوان اماره‌ای در جهت توجیه قرار جلب به دادرسی خویش معرفی می‌کنند. در حالی که استناد به این موضوع کاملاً اشتباه و خلاف اصل می‌باشد. در مقام جمع‌بندی از مباحث فوق، شاخصه‌های ایراد اتهام در فرایند کرامت‌مدار را می‌توان: اصل برابری، اصل کارایی، توجه به کفایت ادله، توجه به فردی کردن ایراد اتهام و تأکید به اصل برائت، و ایراد اتهام در راستای اصل قانونی بودن جرم برشمرد. از جهت میزان مطلوبیت شاخصه‌های ایراد اتهام در این فرایند، باید اذعان نمود؛ بین شاخصه‌های مطلوب ایراد اتهام و شاخصه‌های استخراجی در فرایند کرامت‌مدار، تناسب بسیار خوب و با شاخصه‌های مطلوب دارای تناسب بسیار نزدیکی است.

۲-۳- شاخصه‌های ایراد اتهام در فرایند کنترل مدار

اگر قرار باشد در خصوص الگوی کنترل جرم تعریف مختصر و مفید، ارائه شود باید اذعان نمود: «الگوی کنترل جرم نوعی فرایند کیفری رسیدگی است که سیاست اصلی دستگاه عدالت کیفری مبتنی بر آن سرکوب رفتارهای مجرمانه می باشد».

(Packer, ۱۹۶۴: ۲۷) در دستگاه‌های عدالت کیفری مبتنی بر الگوی کنترل جرم، شخص فراخوانده به پروسهٔ کیفری (یا همان متهم) به هیچ عنوان مهم نبوده و هدف و غایت اصلی در این الگو، حفظ امنیت پایدار^۱ حتی به قیمت فراخواندن افراد به پروسهٔ کیفری، بدون مبانی انتساب ایراد اتهام می باشد. در فرایند مذکور در جهت نیل به اهداف از طریق ایراد اتهام، وسایل توجیه خواهد شد بنابراین کرامت انسانی و رعایت حقوق بشری به عنوان یک آرمان مقبول و فراگیر با نقض و چالش جدی روبرو می گردد. از قوای انتظامی برای برقراری اهداف در سطح وسیع و گسترده استفاده می شود؛ تحرکات و میزان تعاملات انسانی به شدت تحت کنترل و بازرسی قرار می گیرد؛ با دشمن قلمداد کردن بزهکاران و بازتعریف جایگاه آن‌ها جهت ایراد اتهام دلخواه، نوع نگاه کنشگران کیفری نسبت به مقولهٔ جرم و انحراف تغییر می کند به نحوی که در یک برههٔ زمانی، بر مبنای افکار و عقاید حاکم بر شکل‌گیری فرایند کنترل مدار مفاهیم جرم و انحراف در هم ادغام شده و راه تعریف موسع و قیاس‌پذیر برای ایراد اتهام در یک مدل دل خواه کنشگران کیفری باز می شود.

(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۹: ۲۵۲)

بعضی از نظریه پردازان در خصوص استفاده از این الگو بر این عقیده اند که فلسفه وجودی استفاده از الگوی کنترل جرم، نظریه حفظ نظام اجتماعی^۲ است (Ibid: ۱۸, ۳۲). نظریهٔ حفظ نظام اجتماعی، این موضوع را مطرح می کند که در جامعه اولین و اصلی ترین هدف، برقراری نظم و امنیت است و این مهم بر سایر موضوعات دیگر

1. Maintain stable security.
2. Maintaining social order.

اولویت دارد. در اینجا باید به این نکته توجه داشت که امکان دارد در راستای برقراری نظم و امنیت اجتماعی، افرادی بدون توجه ایراد اتهام به آنها وارد پروسه کیفری شده و یا به عبارتی «تاوان» کار ناکرده را بدهند، اما همین که نظم و امنیت اجتماعی برقرار باشد، این نقیصه قابل چشم پوشی است و مهم به نظر نمی‌رسد. در دستگاه‌های عدالت کیفری مبتنی بر الگوی کنترل جرم، میان نیروهای پلیس و دادستان با هدف محکوم کردن متهمان، پیوند عمیق صورت می‌گیرد. تا جایی که پلیس منافع (خواست و اراده) دادستان را تأمین نموده و دادستان هم به عنوان مقامی که افراد را در پروسه کیفری وارد می‌کند گزارشات پلیس را نادیده نگرفته و برای آنها اعتبار بالایی در حد «دلیل»^۱ قائل است.

بر خلاف فرایند کرامت مدار که «مشخص بودن»^۲ و «محدود بودن»^۳ دو مشخصه اصلی ایراد اتهام در فرایند پیش گفته است در فرایند کنترل مدار، دادستان اختیارات گسترده و بی حد و حصر دارد بنابراین؛ «نامعین بودن»^۴ و «بی حد و حصر بودن»^۵ دو مشخصه اصلی ایراد اتهام در فرایند مذکور است با این توضیح که دادستان در نظام کنترل مدار یا امنیتی، به عنوان اولین مقام در آغاز پروسه کیفری در راستای حفظ امنیت و نظم اجتماعی و کشف جرم به نوعی آتش به اختیار است به نحوی که می‌تواند به صلاحدید خود افراد را وارد پروسه کیفری کند یا به صلاحدید خود از ایراد اتهام نسبت به به دیگران صرف نظر نماید. (Den .Van .Wynngaert, ۱۹۹۳: ۱۴). بد نیست در خصوص اختیارات پلیس هم در این قسمت توضیحاتی ارائه گردد. در رویکرد مذکور ملاحظه می‌گردد ایراد اتهام توسط مرجع مذکور مبانی زیر را در بر می‌گیرد. این مبانی عبارت است از: (۱) افرادی

1. Proof.
2. to be clear.
3. being limited.
4. being uncertain.
5. Limitless.

که برای پلیس به عنوان مجرمان قبلی شناخته می‌شوند (افراد سابقه دار) باید در هر زمان به منظور تعیین اینکه آیا آنها در فعالیت‌های ضد اجتماعی پیش آمده شرکت داشته‌اند یا خیر اعلام وضعیت نمایند. به ویژه هنگامی که جرمی اتفاق افتاده است. مخصوصاً اگر جرمی که پیش آمده توسط مرتکب، سابقاً روی داده باشد. (۲) هر کس به گونه‌ای رفتار کند که سوء ظن را برانگیزد باید برای بررسی اتهام بازداشت شود. ممکن است معلوم شود که او مرتکب تخلف شده است، اما مهمتر از آن، بازداشت او برای بازجویی، چه در خیابان و چه در منزلگاه، ممکن است از ارتکاب جرم جلوگیری کند. (۳) کسانی که از طریق فعالیت‌های مجرمانه امرار معاش می‌کنند باید متوجه شوند که حضور آنها در اجتماع مورد رصد دائمی پلیس قرار می‌گیرد به نوعی که اگر جرمی در یک محله روی دهد آن افراد در معرض ایراد اتهام پلیس قرار می‌گیرد (Remington, ۱۹۶۰: ۵۱). بنابراین بدینی کیفری، بازداشت موقت، ایراد اتهام ابزاری، از مشخصه‌های ایراد اتهام توسط پلیس است.

در فرایند کنترل جرم، نه تنها با اشتباهات قضایی^۱ برخورد نمی‌شود بلکه از آن استقبال هم می‌شود با این توضیح که بر اساس الگوی‌های حاکم بر دستگاه عدالت کیفری نوین، قاعده نامعتبر شناختن اعمال و ادله جمع آوری شده خارج از موازین قانونی است که کنشگران کیفری آن را تحصیل نموده‌اند. در حالیکه در دستگاه عدالت کیفری مبتنی بر فرایند کنترل مدار، هیچ خط قرمزی برای دستیابی به اطلاعات وجود ندارد و عقیده بر آن است که برای نظم و امنیت جامعه باید بتوان هر ادله را به دست آورد و هیچ خط قرمزی در این خصوص وجود ندارد. (عمرانی فرو همکارن، ۱۴۰۲: ۴۵) در ادامه باید خاطر نشان کرد؛ حریم خصوصی افراد و احترام به کرامت انسانی در الگوی فوق به هیچ عنوان در اولویت رسیدگی‌های کیفری نیست. می‌توان ویژگی‌های نظام دادرسی مبتنی بر الگوی کنترل جرم را به طور خلاصه موارد ذیل دانست: (۱) همواره در پروسه کیفری اماره مجرمیت به جای اصل برائت حکم فرماست. (۲) معمولاً در در این الگو توسل

1. Judiciary mistakes.

به شکنجه در مرحله اتهام نمود دارد. ۳) به رسمیت شناختن حق سکوت در مرحله اتهام ملحوظ است. ۴) سرعت رسیدگی در الگوی کنترل جرم بسیار زیاد است در واقع به نوعی عقاید مکتب کلاسیک^۱ در بحث مجازات ها در این الگو رسوخ دارد. ۵) ایراد اتهام در این الگو از مقررات قانونی تبعیت نمی کند و به عبارتی ایراد اتهام به جایی که قانونی باشد در دست کنشگران کیفری است. (Munice & McLaughlin, ۱۳۸:۲۰۰۱)

در قالب جمع بندی باید عنوان نمود که در دستگاه های عدالت کیفری که رویکرد آنها مبتنی بر الگوی کنترل مدار است، شهروندان به عنوان افرادی تلقی می شوند که هر لحظه باید تحت نظارت دستگاه های نظارتی و انتظامی باشند. یا به عبارتی اصل مجرمیت یا (اماره مجرمیت) است. در این گونه دستگاه عدالت کیفری ایراد اتهام به عنوان ابزاری در اختیار دادستان است که با همکاری پلیس از آن در جهت حفظ منافع حاکمیت استفاده می کند با این توضیح که دادستان به عنوان رئیس دادسرا و مقامی که افراد را وارد پروسه کیفری می کند در صورتی که تشخیص دهد بعضی از افراد می توانند نظم و امنیت اجتماعی را مختل کنند آنها را وارد پروسه کیفری کرده و برای تکیه بر تشخیص خود به شدت نیاز به گزارشی برای تخلفات فرد متهم دارد. در اینجا پلیس این گزارش را برای جلب رضایت دادستان (هرچند خلاف واقع) کامل می کند. بنابراین ملاحظه می گردد که در نظام های مبتنی بر الگوی کنترل مدار، ایراد اتهام می تواند همانند ابزاری برای سرکوب مخالفان نظام یا ایدئولوژی حاکم بر جامعه (منتقدان، روشنفکران و اصلاح طلبان) باشد و نمی توان از این نظام انتظار داشت که صرفاً افرادی را وارد پروسه کیفری نماید که طبق قانون جرم انجام داده اند چرا که احتمال دارد افرادی وارد پروسه کیفری شوند که از نظر حاکمیت مهره سوخته؛ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و یا مخالف حاکمیت باشند. بنابراین ملاحظه می گردد

۱. در ادبیات جرم شناسی اغلب به تفکر جرم شناسانه ی مکتب های کلاسیک و نئوکلاسیک توجه می شود. این نظریه پردازان، بازدارندگی را شامل سه جزء می دانستند؛ سرعت، قطعیت و شدت جرم.

که اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری در الگوی مذکور رعایت نمی‌گردد. (Goldstein, ۱۹۶۰: ۱۴۷) به عبارتی؛ بعید نیست که مقام دادستان در دستگاه عدالت کیفری کنترل‌گرا، از یک مقام قضایی یا مدعی العموم به مقامی تبدیل شود که به جای نظم و حقوق اجتماعی خواست و اراده دولت‌ها و حاکمیت‌ها را برای بقا و حفظ نظم و امنیت، به کارگیرند و نه نظم و حقوق جامعه. از این جهت در این نظام‌ها نباید انتظار داشت ایراد اتهام بر مبنای قانون صورت پذیرد. کما اینکه در این نظام‌ها تخلفات قانونی از ناحیه پلیس و دادستان بسیار بالاتر از دستگاه عدالت کیفری مبتنی بر الگوی کرامت مدار روی می‌دهد. در این نظام‌ها در جهت حفظ بقاء، امنیت و حاکمیت چه بسا در مرحله اتهامی توسل به شکنجه، سرکوب، اخذ اعتراف موافق نظر حاکمیت، و به عبارتی عدم رعایت حقوق دفاعی و نقض سایر اصول کیفری پذیرفته شده بین‌المللی در دستگاه‌های عدالت کیفری مشاهده می‌گردد. (Pavlich, ۲۰۱۸: ۳۲) در فرایند کنترل مدار شاخصه‌های ایراد اتهام شامل؛ ایراد اتهام در راستای برقراری نظم و امنیت، ایراد اتهام به منزله ابزار حکومتی، عدم توجه به کفایت ادله جهت ایراد اتهام، ایراد اتهام به اساس مبنای فرا قانونی (عدم رعایت اصل قانونی بودن جرم) از جهت میزان مطلوبیت شاخصه‌های ایراد اتهام در این فرایند، باید اذعان نمود؛ بین شاخصه‌های مطلوب ایراد اتهام و شاخصه‌های استخراجی در فرایند کنترل مدار، تناسب بسیار ضعیف و با شاخصه‌های مطلوب فاصله بسیار زیادی دارد.

۳-۳- شاخصه‌های ایراد اتهام در فرایند ترکیبی

نویسنده پژوهش حاضر معتقد است که همیشه نمی‌توان فرایندهای دادرسی کیفری را صرفاً شامل فرایند کرامت‌مدار یا فرایند کنترل مدار دانست چرا که امکان دارد در یک نظام دادرسی کیفری هر دو فرایند به عنوان یک فرایند واحد تحت عنوان «فرایند

ترکیبی»^۱ مدنظر قرارگیرد و در هر مرحله، یکی از فرایندهای موجود ملاک عمل قرار و بر ایراد اتهام تاثیر بگذارد. منظور از فرایند ترکیبی این است که دستگاه عدالت کیفری با توجه به نوع جرم و نتیجه آن، تصمیم می‌گیرد از کدام یک از فرایندهای کرامت مدار یا کنترل مدار استفاده نماید. به عبارتی در جایی که عنوان جرم، ارتکاب جرم با حیثیت خصوصی و مابین افراد را شامل شود یا به عبارتی بزه دیده از افراد جامعه باشد؛ مانند جرایمی همچون سرقت، ضرب و جرح، توهین و افترا و ... که ناشی از اختلافات بین افراد جامعه است شاخصه‌های ایراد اتهام از فرایندهای کرامت مدار تبعیت می‌کند به عبارتی تمام شاخصه‌هایی که در فرایند کرامت مدار در مبحث اول مطرح شد در این دسته از جرائم ساری و جاری است. در مقابل در حالتی که جرائم با حیثیت عمومی و حکومتی باشد به نوعی که نتیجه آن حاکمیت یا نظم و امنیت جامعه را مختل کند، دیگر شاخصه‌های ایراد اتهام از فرایندهای کرامت مدار تبعیت نکرده و نمی‌تواند منافع دولت را تأمین یا به عبارتی راهگشا باشد بنابراین از فرایند کنترل مدار استفاده می‌شود. در این حالت جرائمی مانند: برهم زدن نظم و امنیت عمومی، قیام علیه دولت و حاکمیت، جرائم علیه سردمداران حکومتی و ... مشمول فرایند کنترل مدار می‌گردد و تمام فاکتورهایی که در این فرایند وجود دارد در جرائم علیه حاکمیت و دولت مدنظر کنشگران کیفری قرار می‌گیرد. در حکومت‌هایی که از الگوی ترکیبی در نظام دادرسی خود استفاده می‌کنند ملاحظه می‌گردد که کنشگران کیفری در جایی که موضوع جرم اختلاف بین افراد جامعه یا به عبارت شهروندان است، اتهام را با توجه به نص قانون وارد می‌کنند یا به عبارتی کنشگران کیفری از ضوابط و مقررات قانونی در مرحله ایراد اتهام تبعیت می‌کنند. (Goldstein, 1960: 17). در حالی که اگر جرم به نوعی عنوان حکومتی و دولتی داشته باشد مانند جرائمی که علیه امنیت داخلی و خارجی دولت‌ها است، (در حقوق ایران مانند، محاربه، افساد فی الارض، بغی، جاسوسی و...) ایراد اتهام؛ از مبانی ثابت و قانونی پیروی نمی‌کند و به نوعی به جای استفاده از مبانی مذکور در بحث ایراد

1. Combined process.

اتهام، ملاحظه می‌شود که ایراد اتهام با توجه به شرایط و مقتضیات و مرتکب جرم و خواست و اراده دولت‌ها تغییر کرده و در نهایت ایراد اتهام همانند ابزاری در اختیار دستگاه عدالت کیفری برای پاسخ به امیال حاکمیت قرار می‌گیرد تا با ایراد اتهام، که خودسرنوشت متهم را از لحاظ واکنش کیفری مشخص می‌کند فرد در پروسه کیفری آغاز شود. برای نمونه در رویه قضایی ایران یکی از جرایمی که شیوه نگرش تقنینی آن کنترل مدار می‌باشد، جرم افساد فی الارض است. برای مثال، در یک پرونده موسوم به جاسوسی از مراکز حساس نظامی در پوشش محیط زیستی، اگر چه جرم جاسوسی در ماده ۵۰۸ تعزیرات ق. م. ا مصوب ۱۳۹۲ جرم انگاری شده ولیکن در جرایم علیه حاکمیت، گرایش به سمت حداکثر مجازات بیشتر مورد توجه کنشگران کیفری قرار می‌گیرد. از این جهت پرونده مذکور در مرحله دادسرا با اتهام افساد فی الارض مورد بررسی و صدور کیفرخواست قرار گرفت. اگر چه در نهایت برای سه تن از متهمان، ایراد اتهام مجدد صورت گرفت و اتهام از افساد فی الارض، به جرم جاسوسی موضوع ماده ۵۰۸ مذکور تغییر اتهام یافت که حاکی از کنترل مدار بودن شاخصه‌های ایراد اتهام در جرایم علیه امنیت و حاکمیت است.^۱

بنابراین بدیهی است دولت‌ها برای پاسخگویی به جرایمی که علیه حاکمیت آنها نظم و امنیت روی می‌دهد سخت‌گیری بیشتر و واکنش شدیدتری نشان می‌دهند و شیوه دادرسی از فرایند کنترل مدار تبعیت می‌کند. بنابراین در انتها در قالب جمع بندی نویسنده معتقد است که در حال حاضر ایراد اتهام در بسیاری از نظام‌های کلی حاکم بر عدالت کیفری از الگوی ترکیبی استفاده می‌کنند.

برای شناسایی فرایند در فرایند ترکیبی باید جرایم را به حیثیت خصوصی و حیثیت عمومی - حکومتی تقسیم نمود با این توضیح که شاخصه‌های ایراد اتهام در جرایم خصوصی (جرایم بین افراد جامعه) معمولاً از فرایند کرامت مدار و در جرایم با حیثیت

۱. در خصوص ارجاع و اطلاعات بیشتر به سایت ذیل رجوع کنید

عمومی مخصوصاً جرایم علیه حاکمیت از فرایند کنترل مدار تأثر می پذیرد. بنابراین حسب مورد شاخصه های ایراد اتهام در این فرایند و تناسب آن با شاخصه های مطلوب، در جرایم با حیثیت خصوصی (بسیار خوب) و در در جرایم با حیثیت عمومی مخصوصاً جرایم علیه حاکمیت (بسیار ضعیف) و در کل شاخصه های ایراد اتهام با فقدان یک نواختی بر حسب نوع جرم ارزیابی گردید.

برآمد

بعد از بررسی پژوهش و در پاسخ به سوالاتی که در ابتدا مطرح شد باید اذعان نمود: شاخصه‌های ایراد اتهام در یک مدل مطلوب عبارت‌اند از؛ کفایت ادله جهت ایراد اتهام، سودمند بودن ایراد اتهام، ایجاب مصلحت در ایراد اتهام، ایراد اتهام در مسیر اصلاح و بازپروری و میزان سنجی آسیب‌های وارده از جرم (شدت و اهمیت جرم) که باید در بدو ایراد اتهام مورد توجه قرار گیرد. ایراد اتهام از جمله موضوعات نوظهور در ادبیات کیفری محسوب می‌گردد که به هیچ عنوان دارای شاخصه‌های یکسان در نظام‌ها و فرایندهای کیفری نیست. ایراد اتهام با توجه به این که در کدام نظام یا فرایند مورد استفاده قرار می‌گیرد متفاوت است با این توضیح که شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام رومی- ژرمنی شامل، حتمی بودن ایراد اتهام، انفعال دادستان در مرحله ایراد اتهام، عدم حاکمیت نظام کفایت ادله و در نظام کامن‌لا؛ تشخیصی بودن ایراد اتهام، فعال بودن دادستان در مرحله ایراد اتهام، حاکمیت نظام کفایت ادله می‌باشد. در فرایندهای کیفری شاخصه‌های ایراد اتهام در فرایند کرامت‌مدار شامل؛ اصل برابری، اصل کارایی، توجه به کفایت ادله، توجه به فردی کردن ایراد اتهام و تأکید به اصل برائت، و ایراد اتهام در راستای اصل قانونی بودن جرم می‌باشد. در فرایند کنترل مدار شاخصه‌های ایراد اتهام شامل؛ ایراد اتهام در راستای برقراری نظم و امنیت، ایراد اتهام به منزله ابزار حکومتی، عدم توجه به کفایت ادله جهت ایراد اتهام، ایراد اتهام به اساس مبانی فرا قانونی (عدم رعایت اصل قانونی بودن جرم) و در فرایند ترکیبی باید جرایم را به حیثیت خصوصی و حیثیت عمومی - حکومتی تقسیم نمود با این توضیح که شاخصه‌های ایراد اتهام در جرایم خصوصی (جرایم بین افراد جامعه) معمولاً از فرایند کرامت‌مدار و در جرایم با حیثیت عمومی مخصوصاً جرایم علیه حاکمیت از فرایند کنترل مدار تأثر می‌پذیرد. و در پاسخ به سوال بعدی پژوهش باید اذعان نمود: در بین نظام‌ها، شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام کامن‌لا با شاخصه‌های مطلوب، دارای تناسب بیشتری است. همچنین در بین فرایندهای کیفری، شاخصه‌های

ایراد اتهام در فرایند کرامت مدار از تناسب بیشتری با ایراد اتهام در یک مدل مطلوب معرفی می‌گردد.

پیشنهادها

با بررسی نظام‌ها و فرایندهای کیفری و همچنین بهره‌گیری از دستاوردهای هر نظام و فرایند و تلفیق و تقویت خلاء‌های موجود می‌توان ایراد اتهام را در یک مدل مطلوب شناسایی و ارائه کرد. از این جهت با توجه به پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد: ایراد اتهام به عنوان یکی از مراحل مهم دادرسی کیفری، بدو در قوانین دادرسی شناسایی و مواردی که می‌تواند باعث حرفه‌ای تر شدن پروسه کیفری در مرحله ایراد اتهام شود، از نظام کامن‌لا و فرایند کرامت‌مدار در این مرحله، شناسایی و جایابی گردد. با افزایش اختیارت دادستان در مرحله تعقیب، می‌توان مرحله ایراد اتهام را به عنوان یکی از کلیدی ترین مراحل دادرسی کیفری که در حقوق ایران تا حد زیادی مغفول مانده سازماندهی و از ورود بسیاری از پرونده‌های فاقد ارزش جلوگیری نمود. شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام اتهامی دارای جنبه‌های مثبت بیشتری است، بنابراین گردش از نظام تفتیشی در مرحله دادرسی به اتهامی، پیشنهاد می‌گردد.

کشور انگلستان دستاوردهای خوبی در زمینه کنترل ورودی پرونده‌های فاقد ارزش به سیستم عدالت کیفری و تعدیل دارد زیرا در جهت ایراد اتهام، صرف نظر از نوع جرم، دو شاخصه کفایت ادله و مصلحت عمومی را برای آغاز پروسه کیفری در نظر دارد. بنابراین توجه به دو شاخصه فوق در قوانین دادرسی کیفری، برای ایراد اتهام در یک مدل مطلوب پیشنهاد می‌شود.

اثربخشی شاخصه‌های ایراد اتهام در نظام فرایند کرامت‌مدار بسیار مثبت و تعدیل‌گرا است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در کلیه جرایم علی‌الخصوص در جرایم علیه امنیت و حاکمیت با توجه به شدت مجازات‌ها و تمایل به شاخصه‌های کنترل‌مدار، ایراد اتهام از شاخصه‌های فرایند کرامت‌مدار تأثیر پذیرد.

منابع

الف: منابع فارسی

- بوریکان، ژاک و سیمون، آن ماری، (۱۳۸۹). *آیین دادرسی کیفری*، ترجمه عباس تدین، چاپ اول، تهران؛ انتشارات خرسندی
- داوید رنه (۱۳۹۰). *نظام های بزرگ حقوقی معاصر*؛ ترجمه و تحقیق حسین صفایی، محمّد، آشوری، عزت الله عراقی، چاپ سوم، تهران؛ انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*، چاپ پنجم، جلد دوازدهم، تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران.
- زراعت، محدثه و زراعت، عباس (۱۴۰۰). «ضمانت اجرای کیفری نقض اصول قانون اساسی؛ مطالعه موردی نقض آزادی ها و حقوق اساسی افراد»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، دانشگاه گیلان، سال دوازدهم، شماره اول، ص ۵۳-۷۴
- جمنانی، فرامرز (۱۳۹۶). *برابری تعقیب و تحقیق در پرتو تحولات نوین دادرسی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی
- شیداییان و همکاران، مهدی. (۱۴۰۰). تحلیل نسبت مصلحت سنجی تعقیب کیفری با نظم عمومی و امنیت اجتماعی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، سال دهم، شماره ۱-۷۹-۱۱۶.
- شیداییان، مهدی و اسحاقی، سید جعفر، (۱۳۹۹) جلوه های مصلحت عمومی در آیین دادرسی کیفری و چالش آن با حقوق فردی، *فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی*، دوره ۲۵، شماره ۸۹، ۱۰۱-۱۲۰.
- علیپور، طیب و همکاران (۱۳۹۹). تأثیرپذیری نظام دادرسی کیفری اتهامی از مقامات تعقیب. *پژوهش نامه حقوق اسلامی*، دوره ۲۱، شماره ۲، ۴۶۱-۴۸۲.
- عمرانی فر، عدنان و شیداییان، مهدی (۱۴۰۲). ایراد اتهام به افراد؛ علل و پیامدها از منظر مبانی قرآنی و روایی، *فصلنامه مطالعات قرآنی جیرفت*، دوره ۴ (شماره ۵۶)،

۵۲-۷۶.

عمرانی فر، عدنان و همکاران (۱۳۹۹). جایگاه شعبه مقدماتی در دیوان بین الملل کیفری و امکان سنجی پیش بینی آن در حقوق ایران. *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، دوره ۴ (شماره ۲)، ۱۶۲-۱۷۹.

عمرانی فر، عدنان (۱۴۰۲). *ايرادِ اتهام؛ مبانی و چالش‌ها*، رساله دکتری، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.

عزیزی، امیرمهدی، میرخلیلی، سید محمود، نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۴۰۱). کیفرگذاری کرامت مدار در مدل مردم سالارسیاست جنایی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، دوره ۱۳ (شماره ۱)، ۱۷۷-۲۰۴.

معین، محمد، (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی معین*، چاپ سوم، تهران: انتشارات فرهنگ نما.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین و رستمی، هادی، (۱۳۹۱). رویکرد سزاگر به کیفر در نظریه لیبرالیسم، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۰، ۳۴-۵۵.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۹)، *اساسی شدن اصول حقوق کیفری، در: دانشنامه سیاستگذاری حقوقی*، به کوشش لعیا جنیدی، و امیرحسن نیازپور، چاپ اول، نشر معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی رییس جمهوری.

ب: منابع انگلیسی

- Ambos, Kai. (2003). International criminal procedure, adversarial, inquisitorial or mixed?; *International Criminal Law Review*, vol 3
- Brown, A. (1998), *Police Governance in England and Wales*. First published. Great Britain: Cavendish Publishing Limited.
- Choo, A, (2013), *England and Wales: Fair Trial Analysis and the Presumed Admissibility of physical Evidence*, springer science

- Cole, George F. & Christopher E. Smith,(1998). *The American System of criminal justice*, Wadsworth Publishing Company, 8th ed
- Cole, George F. & Mary G. Gertz,(1997), *The criminal justice system: Politics and policies*, 7th ed., West/Wadsworth Publication,
- Defranica, Cristian (2001), Due Process in international criminal courts, why procedure matters? *Virginia law Review*, Vol. 87.
- Garner, Bryan A.(2009). *Black's Law Dictionary, discretion* (4), 9 edition.west
- Goldstein, (1960). *The State and the Accused: Balance of Advantage in Criminal Procedure*, 69 YA.z L.J. 1149.
- Hutchings, P. (2001). *The Criminal Subject in Law, Literature and Aesthetics*. New York: Routledge.
- Jorg, N; Field, S & Brants, C. (1995). *Are Inquisitorial and Adversarial systems converging?* In Fennell, P et al . (eds). Criminal Justice in Europe: A Comparative Study,Oxford, Clarendon Press
- Ma, Yue. (2002). Prosecutorial Discretion and Plea Bargaining in the United States, France, Germany, and Italy, A Comparative Perspective, *International Criminal Justice Review*, Vol. 12.
- McLaughlin, Eugene & John Muncie, (2001). *The Sage Dictionary of criminology, Sage Publication*, 1st published.
- Packer, Herbert, *Two models of criminal process*, Stanford University Press, 1964.
- Pavlich, George. (2018). ‘ *The violent rhetoric of accusation: Cicero and the Marcus Ameleus Scaurus case?*. In *Joshua Nichols and Amy Swiffen (eds)*, Legal Violence and the Limits of the Law. Abingdon: Routledge, 30–49.
- Reichel L. Philip. (1999). *Criminals Justices Systems*, A Topical Approach Sec.Ed. Pearson
- Remington, The Law Relating to,(1996) *On the Street” Detention , Questioning and Frisking of Suspected Persons and Police Arrest Prileges inGeneral*, 51 3. Gnns. L., C & P.S. 386 .

- Safferling, Christoph J.M (2001). *Towards an international criminal procedure*, Oxford university Press.
- Worrall, John L (2008). *Prosecution in America A Historical and Comparative Account*, in: Worrall, John L. & M. Elaine NugentBorakove, *The Changing Role of the American Prosecutor*, Albany: State University of New York Press
- Wyngaert. Van. Den. (1993). *Criminal Procedure Systems in the European Community*, Van Den Wyngaert, Butterworths, London, Brussels, Dublin, Edinburgh.